

نقض دادرسی عادلانه و ضمانت اجرا کیفری آن از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

مهری زمان زاده بهبهانی^۱، محسن رهامی^{۲*}، مرتضی ناجی زواره^۳

چکیده:

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به بیان پاره‌ای از اصول دادرسی عادلانه و در معنای اخص حقوق دفاعی متهم پرداخته است. نقض دادرسی عادلانه ضررهای مادی و معنوی در پی دارد که تصویب ضمانت اجرا برای نقض آن ضروری است. ضمانت اجراهای متنوعی مانند ضمانت اجرا کیفری، انتظامی، لزوم جبران خسارت، بطلان تحقیقات یا ادله، ساز و کاری برای رعایت دادرسی عادلانه میباشند. ما در این تحقیق، با تاکید به رعایت حقوق دفاعی متهم، به بررسی ضمانت اجرا کیفری نقض دادرسی عادلانه پرداخته ایم. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد ق.ا.د.ک در موادی از جمله مواد ۲، ۳، ۴، ۵، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۶۰، ۹۱، ۹۳، ۹۴ دادرسی عادلانه را مورد پذیرش قرار داده است و نقض این اصول توسط مقامات قضایی و ضابطین با ضمانت اجرا کیفری مقرر در مواد ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۹۷، ۵۸۲، ۵۸۳ ق تعزیرات ۱۳۷۵ روبرو است. ق.ا.د.ک در کنار شناسایی حقوق دفاعی متهم و تعیین ضمانت اجرا برای نقض آن، کاستی‌هایی دارد از جمله عدم حکم صریح مبنی بر بطلان تحقیقات و ادله ناشی از شکنجه مگر در صورت وجود موارد مذکور در تبصره ماده ۴۵۵، بند ب ماده ۴۶۴، همچنین عدم وجود حکم صریح در جبران زیان معنوی ناشی از نقض دادرسی عادلانه، عدم تکلیف ضابطین به اعلام حق سکوت مذکور در ماده ۱۹۷ به متهم، انسجام بخشیدن و یکدست کردن قوانین مربوط به ضمانت اجرا کیفری و جبران خسارت و بطلان ادله و تحقیقات در موارد نقض دادرسی عادلانه که در حال حاضر بسیار پراکنده هستند، مطرح می‌شوند.

واژگان کلیدی: دادرسی عادلانه، حقوق دفاعی متهم، اصول دادرسی، نقض اصول دادرسی، ضمانت اجرا، ضمانت اجرا کیفری.

* گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ramezani@usc.ac.ir

*** گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

محاکمه عادلانه، عدالت شکلی در قضاوت است. رعایت این عدالت به منظور نیل به نتیجه ای است که همانا انجام قضاوتی عادلانه، منصفانه و بی طرفانه است. چنین قضاوتی هنگامی صورت تحقق می یابد که به هر یک از طرف های دعوا آنچه را سزاوار است اعطا کند، مجرم را محکوم و بیگناه را تبرئه کند، و به یک معنای حقوق اطراف قضیه موازنه برقرار نماید. لیکن برقراری این موازنه ماهوی مستلزم ایجاد نوعی موازنه شکلی در طی فرآیند دادرسی می باشد. ابزار و امکانات لازم جهت اثبات ادعا و یا دفع اتهام باید به نحو مطلوب و به طور برابر در اختیار طرف های دعوا قرار داده شود و این سیستم در مجموع شرایطی را فراهم آورد که در مبنای تصمیم قاضی جای هیچ شک و تردید معقولی باقی نماند، و این خود یکی از حقوق اساسی افراد و جامعه است.

در این تحقیق بر آن هستیم تا به کنکاش درباره اصول دادرسی عادلانه (حقوق دفاعی) و بررسی ضمانت اجرا نقض این حقوق پردازیم. قانونگذار ضمانت اجرای متنوعی را مقرر نموده که یکی از آنها، ضمانت اجرا کیفری می باشد. وجود این ضمانت اجرا زمینه ای را فراهم می نماید تا دست اندرکاران عدالت کیفری خود را به آن پایبند دانسته و به عبارت دیگر، آنان رعایت حقوق دفاعی را ضرورتی تخلف ناپذیر تلقی خواهند کرد، نه امری غیر ضروری و کم اهمیت؛ به نحوی که، معارضه و مقابله با برخی مصلحت ها آن را نقض نخواهد کرد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه شامل دو جزء است جزء اول دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت دار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوای کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت دار» (فضائی، ۱۳۹۴: ۴۷) به کار رفته است. مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم دادرسی عادلانه در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» یا به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است. (همان، ۴۸)

۱-۲. اصول دادرسی عادلانه

آیین دادرسی کیفری تابع اصولی است که بر قواعد و مقررات آن حاکمیت دارند. این اصول، اصولی هستند که بنیان برگزاری یک دادرسی صحیح و قانونی را تشکیل می دهند و در تصویب، تفسیر و اجراء مقررات آیین دادرسی کیفری باید رعایت گردند، مانند اصل برائت، تاسیس دادگاه به موجب قانون، استقلال و بی طرفی دادگاه، علنی بودن دادرسی، رعایت حق طرفین و

برخوررداری از امکانات برابر جهت دفاع (برابری سلاح‌ها) و ... مواد ۲ تا ۶ فصل اول قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحات ۱۳۹۴ به بیان مهمترین اصول دادرسی کیفری پرداخته است.

۱-۳. تحلیل مفهوم حقوق دفاعی

حقوق دفاعی مجموعه حقوقی هستند که متهم در طی فرآیند دادرسی برای برقراری محاکمه‌ای عادلانه از آن برخوردار می‌باشد و رعایت آن توسط دست‌اندرکاران عدالت قضایی ضروری و حتی الزامی است. این حقوق تا حدود زیادی مترادف با مفهوم دادرسی عادلانه می‌باشند و در واقع دادرسی عادلانه یعنی تبلور رعایت حقوق دفاعی متهم و در برخی قوانین از رعایت حقوق دفاعی متهم صحبت به میان آمده است مانند قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ که در بند ۳ این قانون محاکم و دادسراها را مکلف می‌داند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت نمایند یا ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی که مقرر می‌دارد متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود. همچنین ماده ۲ قانون مرقوم آیین دادرسی کیفری را تضمین کننده حقوق طرفین دعوا می‌داند و ماده ۶ لازم می‌داند متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذربط از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

۲. ضمانت اجرا

ضمانت اجرا؛ عبارت است از پاسخ‌ها یا واکنش‌های مختلف قانونی و بین‌المللی در قبال ارتکاب جرم و نابهنجاری اجتماعی که جلوه‌های گوناگونی دارد ضمانت اجرای کیفری که ضمانت اجرای در قبال ارتکاب جرم محسوب می‌شود و شامل مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد که نوع سنتی و قدیمی آن از اعدام و حبس و شلاق و جریمه و مانند آن تشکیل شده و نوع جدید و مدرن مجازات‌ها شامل مجازات‌های اجتماعی و جایگزین حبس مانند خدمات عام‌المنفعه، جریمه روزانه، حبس در خانه و مانند آن می‌باشد. (ساکی، ۱۳۹۲: ۳۸)

در ادامه این مبحث به بیان پاره‌ای از انواع پاسخ‌های کیفری در حقوق کیفری ایران که در موارد نقض اصول دادرسی عادلانه وضع شده، خواهیم پرداخت.

۲-۱. ضمانت نقض فرض بی‌گناهی

ماده ۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و

حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. در صورت عدم رعایت مقررات این ماده و برای حمایت از حقوق متهم به نظر می‌رسد که تاکید مقنن بر «نگهداری نکردن متهم در بازداشت» توسط ضابطان دادگستری در صورت نبود دلیل یا عدم کفایت دلایل کشف جرم و هم‌چنین محکومیت، سلب آزادی شخصی افراد برخلاف قانون، جزای انفصال از خدمت (سه تا پنج سال) و حبس (شش ماه تا سه سال) که در ماده ۵۷۰ ق تعزیرات پیش‌بینی شده است، ضمانت اجرای مناسبی برای رعایت نکردن این حقوق باشد. در این مورد می‌توان به ماده ۵۷۸ همین قانون نیز استناد کرد، چرا که تکلیف اثبات جرم برعهده‌ی مدعی العموم یا شاکی بوده و نمی‌توان متهم را به ارایه‌ی دلیل موظف کرد و اگر مقامی (قضایی یا غیرقضایی) برای اینکه متهم را مجبور به اقرار کند، آزار و اذیت بدنی به وی وارد کند، به مجازات‌های یاد شده در این ماده محکوم خواهد شد. (موسی زاده و صالحی، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

بند ۲ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تا حدودی مضمونی شبیه به ماده ۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ دارد و اصل را بر براءة متهم دانسته و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد و مطابق بند ۱۱ قانون مذکور پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد و ضمانت اجرای مقرر برای رعایت مقررات این قانون ماده ۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌باشد. در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

۲-۲. مستدل و مستند بودن کلیه تصمیمات و اقدامات

قضات براساس اصل ۱۶۶ ق.ا و ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ باید آراء و تصمیم‌های خود را به صورت مستدل و مستند انشاء کنند، تخطی از این دستور قانونی افزون بر محکومیت انتظامی می‌تواند محکومیت کیفری نیز داشته باشد. ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: قرار تامین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه‌ی متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

بند ۲ قانون حقوق شهروندی نیز تاکید دارد محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون)... تاکیدی بر مستند و مستدل بودن دادرسی می‌باشد. که ضمانت اجرا عدم رعایت آن ماده ۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌باشد.

تبصره ماده ۲۵۰ در تضمین این حق، اخذ تامین نامتناسب را موجب محکومیت انتظامی از درجه‌ی چهار به بالا می‌داند. که این درجات براساس ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات تعیین می‌شود. همچنین ضمانت اجرا محکومیت انتظامی تا درجه چهار برای قضاتی تعیین شده است که از صدور رای در مهلت مقرر و براساس قانون خودداری نمایند.

همچنین به استناد ماده‌ی ۵۹۷ ق تعزیرات ۱۳۷۵ که در قسمتی از آن به «رفتار برخلاف صریح قانونی» اشاره دارد. از این عبارت می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرگاه قاضی مقررات قانون آیین دادرسی کیفری را در مورد متناسب بودن قرارها با نوع جرم و وضعیت متهم مذکور در ماده ۲۵۰ را رعایت نکند، افزون بر محکومیت انتظامی، محکومیت کیفری نیز به استناد ماده یاد شده خواهد داشت. (همان، ۱۰۷ - ۱۰۸)

۲-۳. آثار قانونی ناشی از عدم اجرای حق متهم بر اطلاع از ادله اثبات جرم

مطابق ماده ۱۹۱ قانون آدک ۱۳۹۲ چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.

حق دسترسی متهم و وکیل او در ماده‌ی ۱۹۱ به صراحت اعلام نشده، ولی با توجه به اینکه در این ماده «قرار عدم دسترسی به پرونده» توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده، پس به دلالت التزامی معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار، آن را ممنوع نماید. حق متهم و وکیل او به مطالعه و دسترسی به اوراق، اسناد و مدارک پرونده است. اصولاً مطالعه‌ی اوراق پرونده مستلزم دسترسی به آن‌هاست ولی با تفکیک صورت گرفته در قسمت اول ماده که طبق آن بازپرس می‌تواند مطالعه‌ی آن اوراق یا دسترسی به آن‌ها را ممنوع سازد، معلوم می‌شود که دسترسی یعنی در اختیار داشتن. بنابراین، مانعی وجود ندارد که متهم یا وکیل او بتواند به هزینه‌ی خود از اوراق پرونده کپی بگیرد و نسخه‌ای برای خود داشته باشد. در صورت صدور قرار عدم دسترسی به پرونده، این ممنوعیت فقط تا پایان مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی باقی بوده و با ارسال پرونده به دادگاه مرتفع خواهد شد.

دادگاه صالح به رسیدگی به اعتراض متهم یا وکیل او به این قرار، در ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲^۱ ذکر شده است. (خالقی، ۱۳۹۵: ذیل ماده ۱۹۱ ق آ د ک)

مطابق ماده ۳۵۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رئیس دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز تصویر تهیه کنند. و تبصره ماده مقرر می دارد: دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است. در موارد مذکور در تبصره، تنها دادن تصویر اسناد و مدارک یادشده ممنوع گردیده و «مطالعه» آنها مشمول جواز مقرر در متن ماده است.

در صورت عدم ارائه ادله اثبات جرم از سوی مرجع قضایی به متهم و وکیل ایشان و محروم ساختن متهم از این حق قانونی به صورت های مختلف: الف: رفتار مرجع قضائی خاطی، واجد وصف کیفری و انتظامی بوده و قاضی خاطی می تواند هم مورد تعقیب کیفری و هم تعقیب انتظامی قرار گیرد؛ ب: محروم کردن متهم و وکیل وی از حق دسترسی بر ادله انتساب بزه از سوی مرجع قضائی تالی، بطوری که با این وصف حکم بر محکومیت متهم را صادر نماید. به تشخیص مراجع عالی اعم از محاکم تجدید نظر و شعب دیوان عالی کشور، اگر به درجه ای از اهمیت باشد که موجب عدم اعتبار قانونی رأی صادر گردد، برابر تبصره ذیل ماده ۴۵۵ و بند «ب» ماده ۴۶۹ از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، می تواند از موجبات نقض حکم بدوی باشد. تبصره ذیل ماده ۴۵۵ و بند «ب» ماده ۴۶۹ از ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: نقض حکم بدوی از سوی مراجع عالی، در صورتی که متهم یا وکیل ایشان از دسترسی به ادله انتساب بزه توسط مرجع بدوی محروم شوند و این امر به درجه ای از اهمیت باشد که به تشخیص مراجع عالی موجب عدم اعتبار قانونی رأی صادره گردد. (پورقهرمانی و رسولی، ۱۳۹۴: ۷۰)

به نظر می رسد بر اساس ماده ۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ که بیان می دارد: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود، عبارت سایر حقوق دفاعی شامل حق اطلاع متهم یا وکیل وی از اسناد و اوراق و ادله موجود در پرونده می شود عدم رعایت آن ضمانت اجرای مقرر در ماده ۷ قانون مرقوم را در پی خواهد داشت.

۱. مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادرسی تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.

۲-۴. بی‌ارزش و اعتبار شناختن اظهارات ناشی از شکنجه

مقامات عمومی باید ضمن مردود دانستن اقرار و اطلاعاتی که به زور و عنف از بازداشت‌شدگان گرفته شده است، دقت نمایند که چنین اقرار و اطلاعاتی به عنوان ادله اثبات دعوی مستند حکم در دادرسی قرار نگیرد.

اسناد و مدارک مربوط به منع شکنجه باید در نهایت به زبان محلی ترجمه شده و در تمام واحدهای اداره‌های کل و اداره‌های تابع که در مرحله دستگیری، تحقیقات مقدماتی و بازداشت مداخله می‌کنند و نیز تشکیلات عدالت کیفری توزیع شود. منع مطلق شکنجه و رفتارهای خشن و موهن که برطبق قوانین ملی جرم قلمداد شده است باید در تمام بازداشتگاه‌ها در معرض دید عموم نصب شود. (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۲۱ و ۲۲/۱۱۹)

در قانون حقوق شهروندی صراحتاً هرگونه شکنجه و اذیت برای اخذ اقرار یا کسب دلیل ممنوع اعلام شده و ضمانت اجرای آن در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان شده است. بند ۶ این قانون مقرر می‌دارد: در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد. همچنین بند ۷ این قانون مقرر می‌دارد: بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند. و در ادامه بند ۹ این قانون بیان می‌دارد: هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. این قانون تا مدت‌ها بدون ضمانت اجرا و در حد یک توصیه نامه بود تا اینکه سرانجام مقنن با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ طی ماده ۷ این قانون، ضمانت اجراء کیفری و مسئولیت مدنی (جبران خسارت) را برای نقض اصول مقرر در قانون حقوق شهروندی در نظر گرفت.

مقنن برای برخی از حقوق متهم، مانند حق انتخاب و برخورداری از معاضدت و کیل مدافع، حق حفظ اسرار و اطلاعات شخصی متهمان، حمایت کیفری متناسبی مقرر داشته است، اما در برخی دیگر، مانند ضرورت حفظ شان و کرامت انسانی با ممنوعیت شکنجه برای اخذ اقرار یا شهادت از افراد بازداشت شده و یا متهم دارای اشکالاتی است. ماده ۵۷۸ ق تعزیرات ۱۳۷۵ که در حمایت از ممنوعیت شکنجه تصویب شده، کامل و رسا نیست. افزون بر عدم شمول شکنجه‌ی روحی، شکنجه را منحصر به فعل دانسته است در حالی که شکنجه با ترک فعل نیز واقع می‌شود. همچنین این ماده شکنجه و آزار غیرمتهم مثل اطرافیان و نزدیکان وی را شامل نمی‌شود. از این‌رو ضروری است که محتویات این ماده اصلاح و دایره‌ی شمول آن به «سایر اشکال شکنجه و رفتارهای غیرانسانی» و «غیرمتهمان» تسری یابد. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۹) اقدامات مذکور در بند ۷ قانون حقوق شهروندی نظیر پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن

نامعلوم مصداق شکنجه روحی می‌باشند، که مقنن مورد توجه قرار داده است و ماده ۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ برای این قبیل اقدامات و رفتارها، جبران خسارت و ضمانت اجرای ماده ۵۷۰ تعزیرات را مقرر نموده است. بهتر بود مقنن در موادی از قانون دادرسی کیفری ۱۳۹۲، صراحتاً شکنجه روحی را که مصداق متعددی دارد را مورد حکم قرار می‌داد تا جای هیچگونه شک و تردیدی در مجازات شکنجه‌ی روحی باقی نماند.

ماموران و مقاماتی که افراد (متهمین) را مورد شکنجه قرار داده‌اند، مشمول احکام کتاب سوم قانون مجازات اسلامی یعنی احکام مربوط به قصاص می‌شوند. که بحث در این مورد از حوصله پژوهش حاضر خارج می‌باشد. ذکر یک نکته نیز ضروری است که، در صورتی که پس از محکوم شدن این مقامات و ماموران، به هر دلیل قصاص اجرا نشود، یا از مصادیق جراحات غیر عمد باشد مشمول احکام مربوط به دیات^۱ (کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی) می‌شوند.

۲-۵. حمایت از متهم و خانواده وی در برابر تهدیدات

ماده ۴۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند را ممنوع دانسته این ممنوعیت شامل افشای اطلاعات مربوط به متهم، به عنوان یکی از «اشخاص مرتبط با پرونده» نیز می‌شود. با این حال، قانون موارد خلاف آن را به روشنی تعیین نکرده است و بهتر بود که علاوه بر تعیین قانون، تجویز بازپرس نیز به متن ماده فوق اضافه می‌شد. ممنوعیت مذکور در این ماده، جنبه حمایتی داشته و تخلف از این مقررات مشمول ضمانت اجرای سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی به شرح مندرج در ماده ۶۳ خواهد بود. بنابراین، چنین موردی، مصداقی خاص از جرمی عام (افشای اسرار حرفه‌ای، ماده ۶۴۸ ق تعزیرات) می‌باشد.

همچنین ماده ۹۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند. اقدامات حمایتی می‌تواند اقداماتی نظیر منع ملاقات متهم یا بستگان او یا بزه‌دیده، شاهد، مطلع و اعلام کننده جرم، یا همراهی اشخاص فوق توسط ضابطین در هنگام مراجعه به دادسرا یا حتی پیش‌بینی موقت محافظ شخصی باشد. (خالقی، ۱۳۹۵: ذیل ماده ۹۷ ق آ د ک)

برای حمایت کیفری از این حق، در مواردی که متهم یا خانواده وی به انحاء مختلف مورد

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید: قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کتاب چهارم دیات.

تعرض قرار می‌گیرند می‌توان به ماده ۶۶۹ ق تعزیرات استناد کرد. به موجب این ماده هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید ... به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۲-۶. عدم انتشار جریان محاکمه قبل از خاتمه‌ی دادرسی

انتشار جریان محاکمه قبل از این که حکم به طرق قانونی قطعیت یابد، ممنوع، ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها را مجاز دانسته است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است. همچنین هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است... منظور از این انتشار «... نشر جزئیات محاکمه و در جریان قرار دادن عامه‌ی مردم از راه رسانه‌های گروهی، قبل از صدور حکم است...» (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱-۱۳۸۰/۱/۵ اداره حقوقی قوه قضائیه). بخشنامه‌ی شماره ۱۳۸۱/۶/۴-۱/۸۱/۱۰۵۸۹ ریاست قوه قضائیه نیز بر خودداری از انتشار اسامی افراد و عناوین اتهامی و روند دادرسی‌ها پیش از قطعیت احکام تاکید دارد. در قسمتی از این بخشنامه خطاب به مراجع قضایی و اداری آمده است: «... از آنجا که قبل از انجام و اتمام مراحل دادرسی، اثبات جرم و قطعیت حکم، انتشار اخبار ممنوع است و حتی مراجع قضایی قبل از قطعیت حکم جزایی نیز مجاز به انتشار موضوع در رسانه‌ها نیستند و امکان دارد در نتیجه‌ی سیر مراحل محاکمه‌ها، شان برائت به دست آید، ... قبل از قطعیت احکام جزایی از انتشار اسامی و عناوین و جریان محاکمه‌ی اشخاص در رسانه‌ها خودداری ورزند...» (همان)

به استناد ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ متخلف از تکلیف موضوع این ماده به مجازات مقرر در ماده ۶۹۷ ق تعزیرات ۱۳۷۵ محکوم خواهد شد. افزون بر آن، مطابق ماده ۹ «نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات»، چنان چه قبل از اعلام رسمی، آرای محکمه افشا شود، افشاء کننده به مجازات درجه ۴ محکوم می‌شود. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۹۱) و مطابق بند ۹ ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ اعلام نظر ماهوی قاضی پیش از صدور رأی موجب محکومیت انتظامی مقرر در ماده ۱۴ یعنی مجازات‌های انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می‌شوند، که مجازات‌های انتظامی درجه یک تا چهار مطابق ماده ۱۳ این قانون عبارت است از: توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی، توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی، کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه، کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال

می‌باشد.

۲-۷. عدم افشا اسرار مربوط به متهم و حق حفظ حریم خصوصی

ممنوعیت تجسس در حریم خصوصی افراد از دستورات الهی بوده و در قرآن کریم بیان شده است. خداوند چنین می‌فرماید: «ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید.^۱» به همین ترتیب می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی جز خانه خودتان وارد نشوید مگر آن‌که آشنایی دهید و اجازه بگیرید و به اهل آن‌ها سلام کنید.^۲»

اصل بر تجویز نشدن استراق سمع تلفنی و کنترل نشدن ارتباطات مخابراتی افراد می‌باشد و از این رو، امکان کنترل تلفن افراد و نه فقط متهمان به نظر قاضی و براساس ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده‌ی (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود تجویز شده است. و تبصره ۲ ماده ۱۵۰ همین قانون کنترل ارتباطی مخابراتی محکومان را ممنوع اعلام نموده است. و براساس تبصره یک ماده مذکور شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود. البته قاضی باید دفعات یا زمان کنترل تلفن افراد را مشخص کرده و دستور خود را به صورت کتبی صادر کند، بنابراین دستور شفاهی کنترل تلفن، مجوز این امر نخواهد بود. البته صدور مجوز کتبی محدود به مواردی است که امنیت خارجی یا داخلی نظام در مخاطره قرار گرفته باشد. (گلدوزیان، ۱۳۷۱: ۴۰) بر طبق اصل ۲۵ قانون اساسی: «... ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». کنترل ارتباطات مخابراتی افراد، حتی به لحاظ ضرورت تحقیق، مجاز نبوده و از اصل کلی ممنوعیت کنترل ارتباطات مخابراتی، صرفاً اقدام به کنترل در چند جرم خاص مورد اشاره در متن ماده مستثنی شده است و این کار در همه‌ی جرائم مجاز نیست.

براساس ماده ۱۴۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و محتوای غیر مرتبط آن‌ها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم

۱. قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۲

۲. قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲۷

می‌شود. ضمن اینکه ماده ۱۴۶ در رابطه با نوشته‌ها و اوراق متهم، بازپرس را مکلف به حفظ اسرار نموده و در غیر اینصورت به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود برای ضمانت اجرا نقض این اصل از اصول دادرسی عادلانه می‌توان به ماده ۵۹۷ ق تعزیرات^۱ ۱۳۷۵ استناد کرد که اشاره به رفتار «برخلاف صریح قانون» کرده است.

در مورد ضمانت اجرای کیفری برای حمایت از این حقوق و آزادی‌ها چند ماده از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ قابل استناد هستند. ضمانت اجرای اصل ممنوعیت شنود تلفنی و استراق سمع و بازرسی یا توقیف مراسلات و مکاتبه‌های اشخاص در ماده ۵۸۲ ق تعزیرات چنین بیان شده است. در مورد حفظ اسرار شغلی و اسرار مربوط به حرفه نیز مطابق ماده ۶۴۸ ق تعزیرات اگر مقامات قضایی یا ضابطان در غیر مواردی که قانون اجازه داده، اسرار متهم را افشاء کنند محکومیت کیفری خواهند داشت. این ماده به صراحت به مقامات قضایی و ضابطان اشاره نکرده اما پس از بیان اطباء و جراحان، ماماها و داروفروشان به «کلیه‌ی کسانی که به مناسب شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند» اشاره کرده است، که با توجه به اطلاق عبارت «کلیه‌ی کسانی» به نظر می‌رسد قضات و ضابطان را در برگیرد. اگرچه از نظر برخی اساتید چه در قانون مجازات اسلامی و چه در آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها هیچ حمایتی از زندگی خصوصی متهمان برای جلوگیری از فاش‌سازی اطلاعات مندرج در پرونده‌ی شخصیت آن‌ها وجود ندارد و قاضی، زندانبان و مددکاران اجتماعی هیچ تعهدی در این باره ندارند و در صورت نقض این موارد با هیچ ضمانت اجرایی مواجه نیستند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۶۷۴) بخشنامه‌های شماره ۱۷۸/۱۲۶۷ مورخه ۷۹/۸/۱ و ۱۳۷۸/۱۲/۱-۱۷۸/۱۲۶۷۰ رییس قوه قضاییه نیز بر جواز بازرسی منازل و اماکن در موارد ضروری و اجتناب از اعطای نمایندگی مطلق و کلی تاکید دارند. بند ۸ قانون حقوق شهروندی نیز بر ضرورت بازرسی و معاینه‌های محلی براساس مقررات قانونی تاکید دارد. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۹۷)

در مورد حمایت‌های کیفری به عمل آمده از این حقوق (بازداشت نکردن خودسرانه و تفتیش منزل در شب) می‌توان به مواد ۵۷۵ و ۵۸۰ ق تعزیرات استناد کرد. بازداشت خودسرانه‌ی افراد به موجب ماده ۵۷۵ قابل تعقیب کیفری بوده و براساس ماده ۵۸۰ ق تعزیرات هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیر قضائی ... بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، عبارت «بدون ترتیب قانونی»

۱. ماده ۵۹۷: هر یک از مقامات قضائی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

اشاره به رعایت نکردن مقررات و ضوابط قانونی یاد شده در مواد ۱۳۷ تا ۱۴۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و همچنین مواد ۱۲۴ و ۱۸۳ همین قانون دارد.

۲-۸. برابری (منع هر نوع تبعیض)

ماده ۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: دادرسی کیفری باید... و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود. قسمت اخیر ماده فوق تصریح به اعمال یکسان قواعد دادرسی کیفری نسبت به اشخاص مختلفی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، نموده است، اما این امر مانع از آن نخواهد بود که گاه مراجع قضایی به دستور قانونگذار خصوصیات فردی متهم را برای اعمال قوانین دادرسی کیفری در نظر بگیرند (فردی کردن) اقدامی که می‌تواند عدم اعمال یکسان این قواعد را نسبت به اشخاص مختلف، به دنبال داشته باشد. ماده ۶۰۵ ق تعزیرات ضمانت اجرای کیفری این حق را چنین بیان کرده است: هر یک از مامورین ادارات و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و بر خلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. به نظر می‌رسد براساس ماده ۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود، عبارت سایر حقوق دفاعی شامل برابری و عدم وجود تبعیض در تمام مراحل دادرسی بین متهم و سایر اصحاب دعواست و عدم رعایت آن ضمانت اجرای مقرر در ماده ۷ قانون مرقوم را در پی خواهد داشت.

۲-۹. مصونیت مکاتبات و مکالمات و اسرار شخصی

اصل ۲۵ قانون اساسی از حق مصون ماندن مکاتبات و مکالمات و عدم تعرض به اسرار شخصی حمایت کرده است. بر اصل مصونیت اسرار، مکاتبات، مکالمات و مخبرات شخصی در دو مورد استثناء وارد آمده است، یکی در زمان اضطراری مطابق اصل ۷۹ قانون اساسی و دیگری در مورد کشف و تعقیب جرایم. ضمانت اجرای این اصل به موجب ماده ۵۸۲ ق تعزیرات حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال مقرر شده است.

لازم به تذکر است که امروز، در جوامع پیشرفته، اصل مصونیت اسرار شخصی با یک خطر جدی روبرو شده است و آن استفاده گسترده و بی‌رویه سازمان عمومی از سیستم انفورماتیک و جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی امور خصوصی افراد است که گاه ممکن است مبادله اطلاعات نادرست و یا غرض‌آلود مشکلات جدی برای فرد بوجود آورده و یا فاجعه برای او بیافریند. از

اینرو اقتضاء دارد مقررات دقیقی از طرف دولت و رعایت اصل مصونیت اسرار شخصی وضع گردد.

متأسفانه در ماده (۳۲) قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ حکمی آمده است که برخلاف روح حاکم بر این قانون که مبارزه با جرایم رایانه‌ای است می‌باشد، عملاً تعرض به اسرار شخصی کاربران رایانه و نادیده گرفتن حریم خصوصی افراد است، در این ماده قانونی آمده است که: «ارائه دهندگان خدمات دسترسی (اینترنت) موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه از خاتمه اشتراک نگهداری کنند». (ساک، ۱۳۹۲: ۸۱)

به موجب تبصره‌های ذیل این ماده، داده‌های ترافیک، هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آن‌ها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها (Dayta) شامل اطلاعاتی از قبیل؛ مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات و اطلاعات کاربر شامل هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا پروتکل اینترنتی (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست. همچنین به موجب ماده (۳۳) همین قانون ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی داخل موظفند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجاد شده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند. از طرف دیگر کار گروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه موضوع ماده (۲۲) همین قانون که به کار گروه فیلترینگ معروف شده است و زیر نظر قوه قضائیه و ریاست دادستان کل کشور تشکیل گردیده است به موجب این قانون مأمور تشخیص مصادیق و پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه شناخته شده و تعداد زیادی از سایت‌های اینترنتی را فیلتر کرده‌اند. (ساک، ۱۳۹۲: ۸۲)

ضمانت اجرا نقض حریم خصوصی افراد و تأمین امنیت داده‌های شخصی طی موادی از قانون این دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بخش نهم دادرسی الکترونیکی در نظر گرفته شده است. مطابق ماده ۶۵۸ ق آدک ۱۳۹۲ قوه قضائیه موظف است تمهیدات فنی و قانونی لازم را برای حفظ حریم خصوصی افراد و تأمین امنیت داده‌های شخصی آنان در چارچوب اقدامات این بخش فراهم آورد ضمانت اجرا این حقوق مطابق ماده ۶۶۰ این قانون چنانچه اشخاصی که داده‌های موضوع این بخش را در اختیار دارند، موجبات نقض حریم خصوصی افراد یا محرمانگی اطلاعات را فراهم آورند یا به طور غیر مجاز آن‌ها را افشاء کرده یا در دسترس افراد فاقد صلاحیت قرار دهند، به حبس از دو تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا دویست میلیون ریال و انفصال از خدمت از دو تا ده سال محکوم خواهند شد. ماده ۶۶۱ ق آدک ۱۳۹۲ نیز در صورتی که بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی اشخاص مسئول موجبات ارتکاب جرایم رایانه‌ای را فراهم آورد به حبس از شش ماه تا دو سال یا

انفصال از خدمت تا پنج سال یا جزای نقدی از ده تا صد میلیون ریال محکوم خواهند شد، مقنن به دلیل اهمیت حفظ حریم خصوصی افراد این بی احتیاطی و بی مبالاتی سنگین را قابل مجازات دانسته است. مقنن براساس ماده ۶۸۲ قانون فوق ضمانت اجرا حق اعتراض به متضرر را در مواردی که ضابطان مجوز تفتیش و توقیف داده‌ها را براساس ماده ۶۷۸^۱ داشته باشند در نظر گرفته است.

۲-۱۰. ضمانت اجراء اقدام‌ها و تصمیم‌های غیرقانونی ماموران و ضابطان

ضمانت اجراهای کیفری مختص مقامات قضایی نقض کننده‌ی اصول دادرسی عادلانه نمی‌باشند. در کنار این مقامات افراد دیگری چون ماموران و ضابطان دادگستری قرار دارند که در صورت نقض اصول دادرسی عادلانه مجازات می‌شوند.

ضابطان دادگستری باید در انجام وظایف محوله، مقررات آیین دادرسی کیفری را رعایت کنند. ماده ۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری را مأمورانی می‌داند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند. این ماده با تاکید بر اینکه تمامی اقدامات ضابطان باید تحت نظارت دادستان و به موجب قانون باشد، در صورتی که ضابطان و ماموران از حیطه‌ی وظایف محوله پا را فراتر گذاشته و از چارچوب قانون خارج شوند، مجازات می‌شوند.

اگرچه پلیس به دلیل تعدد و تنوع ماموریت‌های اجتماعی و امنیتی در سطح جامعه، نماد امنیت اجتماعی شناخته می‌شود و عملکردش در رفتار با مردم اثرگذار در قضاوت افکار عمومی چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی است. (نوروزی، ۱۳۸۷: ۳/ ۱۷۸) اما عمده اقدام‌ها و تصمیم‌های غیرقانونی که ضابطان و دیگر ماموران در رابطه با متهم یا متهمان ممکن است مرتکب شوند؛ ورود غیرقانونی و غیرمجاز به منزل و مسکن افراد (ماده ۵۸۰ ق تعزیرات) بازداشت خودسرانه و غیرقانونی (ماده ۵۸۳ ق تعزیرات) نشنیدن تظلمات حبس‌شدگان توسط مسئولان زندان‌ها (ماده ۵۷۴ ق تعزیرات) است، که می‌تواند نه تنها از سوی متهم، بلکه از سوی هر فرد آزادی‌خواه با مقاومت مواجه شود. حتی اگر ضابطان و ماموران دولتی از حدود وظیفه‌ی خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود بیم تجاوز به حیات یا جرح یا تعرض به عرض و ناموس یا مال باشد، دفاع و مقاومت در برابر آن‌ها حتی اگر منجر به مرگ آن‌ها شود (به شرط رعایت

۱. ماده ۶۷۸: چنانچه در حین اجرای دستور تفتیش و توقیف، تفتیش داده‌های مرتبط با جرم ارتكابی در سایر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که تحت کنترل یا تصرف متهم قرار دارند ضروری باشد، ضابطان با دستور مقام قضایی دامنه تفتیش و توقیف را به سامانه‌های دیگر گسترش می‌دهند و داده‌های مورد نظر را تفتیش یا توقیف می‌کنند.

شرایط دفاع)، جایز است. ماده ۱۵۹ ق م ا مصوب ۱۳۹۲ دفاع و مقاومت در برابر اقدام‌های غیرقانونی نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان را به صراحت تجویز کرده است. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۸۹) همچنین اگر ضابطان، تکلیف یاد شده در ماده ۴۶ ق آ د ک ۱۳۹۲ را رعایت نکنند و متهم را بیش از ۲۴ ساعت بدون اجازه‌ی مقامات قضایی تحت نظر نگه دارند، مطابق مواد ۵۷۰ و ۵۷۵ ق تعزیرات قابل مجازات می‌باشند.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای متهم تحت نظر حقوقی را مقرر نموده است (از جمله: حق داشتن وکیل، تفهیم اتهام، منع شکنجه، اطلاع خانواده متهم از تحت نظر بودن و...) عدم رعایت این حقوق و تخلف از مقررات مربوط علاوه بر ضمانت اجرا مذکور در ماده ۷ ق آ د ک ۱۳۹۲ باعث محکومیت انتظامی براساس ماده ۶۳ ق آ د ک ۱۳۹۲ می‌شود. این حقوق که از زمره اصول دادرسی عادلانه می‌باشند که در اینجا از ذکر آن‌ها به دلیل اطاله‌ی کلام خودداری می‌شود. و صرفاً به ضمانت اجرا آن پرداخته می‌شود.

براساس ماده ۶۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ تخلف از بعضی از وظایف ضابطان، توسط آن‌ها جرم محسوب می‌شود و آن دسته از ضابطان دادگستری که وظایف قانونی مقرر در ماده ۵۲ این قانون در خصوص تفهیم حقوق متهمان را انجام ندهند، به مجازات کیفری سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. «انفصال از خدمات دولتی» که در ماده فوق به عنوان ضمانت اجرای تکلیف مقرر برای ضابطان تعیین گردیده، در قوانین کیفری در شمار یکی از مجازات‌های کیفری آمده است. بنابراین، با وجود استفاده از کلمه «تخلف» در صدر ماده، نقض مقررات مندرج در مواد یاد شده، جرم بوده و در صلاحیت مراجع قضایی است و از آنجا که مرتکبین این تخلفات، ضابط دادگستری بوده و در مقام ضابط مرتکب جرم شده‌اند، در مراجع عمومی (دادسرای عمومی و انقلاب و دادگاه کیفری ۲) قابل تعقیب و محاکمه خواهند بود. همچنین تبصره ماده ۵۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ شماره گذاری اوراق پرونده را الزامی و تخلف از آن موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است. و با توجه به اینکه این قانون ناظر به مراجع کیفری و متن ماده دربرگیرنده ضمانت اجرا کیفری است پس تکلیف مقرر در این ماده را باید در مورد مدیران دادگاه‌های کیفری دانست و به مدیران دفاتر دادگاه‌های حقوقی مستثنا هستند.

آن دسته از ضابطان دادگستری که عدم تفهیم حقوق متهمان از سوی آنان همراه با سوءنیت و قصد اضرار بوده مجازات شدیدتری در نظر گرفته نشده است. که این ایراد را با رجوع به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی می‌توان رفع نمود و با توجه به اینکه تحت چه عنوان مجرمانه‌ای قرار گیرد برای آن مجازات متناسب در نظر گرفته می‌شود. همچنین می‌توان برای رفتاری که عملاً موجب ایراد ضرر شده و رفتاری که ضرری را برای متهم در پی نداشته است، مجازات‌های قانونی

متفاوتی را در نظر گرفت. (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۵۰)

برخی دیگر از اصول دادرسی عادلانه که باید در کلیه مراحل رسیدگی‌های کیفری در نظر گرفته شوند، یا حمایت کیفری ندارند و یا دارای حمایت کیفری ناکافی و غیرصریح هستند. از جمله این موارد می‌توان به حق سکوت و حق آگاهی یافتن نسبت به حق سکوت متهم اشاره کرد که مقام قضایی یا ضابط دادگستری تکلیفی به اعلام این حق به متهم ندارند. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۰) ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در رابطه با حق سکوت تدوین شده است که الزامی به اعلام این حق به متهم دیده نمی‌شود و ضمانت اجرا صریحی برای آن در نظر گرفته نشده است مگر اینکه این حق را از حقوق مذکور در ماده ۵۲ ق.آ.د.ک بدانیم که در صورت تخلف ضابطین از تفهیم آن به متهم ضمانت اجرا مقرر در ماده ۶۳ این قانون در مورد مرتکبین اعمال شود.

نتیجه گیری

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ همگام با تحولات دنیا و اسناد بین‌المللی، دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم از جمله اصل برائت، حق داشتن وکیل، اصل علنی بودن دادگاه، تفهیم اتهام به متهم و ممنوعیت اعمال شکنجه، استقلال و بی‌طرفی دادگاه، ترافی بودن دادرسی و ... را در مواد مختلفی از جمله مواد ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۹۱، ۹۳، ۹۴ و مواد متعدد دیگری مورد شناسایی قرار داده است و نقض این اصول توسط مقامات قضایی و ضابطین دادگستری با ضمانت اجرا انتظامی مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ و ضمانت اجرا کیفری مقرر در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) و برخی از مواد ق.آ.د.ک روبرو است. با تدقیق در محتوای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، می‌توان حساسیت مقنن ایرانی را نسبت به رعایت دقیق اختیارات و تکالیف مقامات قضایی و ضابطین دادگستری بر حقوق بزه دیده - بزه‌کار - گواهان و سایر افراد ذینفع در پرونده کیفری، مشاهده نمود. مفاد این قانون بیانگر موشکافی مقنن از قواعد کلی حاکم بر دادرسی‌ها و پرداختن به جزئی‌ترین حقوق متصوره برای متهم در فرآیند دادرسی کیفری می‌باشد.

همچنین اصول ۳۲ و ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی تأکیدی بر رعایت اصول دادرسی عادلانه بوده و نقض آن را مطابق قوانین عادی قابل مجازات می‌داند. مقنن در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نقض حقوق قانونی متهم و محکوم را که در قانون اساسی تصریح شده جرم‌انگاری نموده و برای مرتکب آن مجازات تعیین نموده است. قانون تعزیرات در مواد ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۸۳ و .. مجازات‌هایی را برای برخی عناوین مجرمانه احصاء شده پیش‌بینی نموده که اگر پلیس و ضابطین دادگستری و مجریان حفظ حقوق متهم و مقامات قضایی مرتکب آن گردند مطابق مواد مذکور به کیفر خواهند

رسید. همچنین قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ الزامات متعددی را برای کلیه محاکم و دادسراها و ضابطان قوه قضائیه در باب حفظ حقوق متهم و محکوم (رعایت پاره‌ای از اصول دادرسی عادلانه) پیش‌بینی و مقرر داشته است که تخطی از آن با ضمانت اجرا مذکور در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ روبرو می‌گردند. ماده ۷ بیان می‌دارد در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ ق.ت. محکوم می‌شوند. در رابطه با تخطی ضابطان دادگستری از وظایف مقرر، ماده ۶۳ قانون مرقوم محکومیت به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی را به عنوان ضمانت اجرا مقرر نموده است.

در راستای تحقق دادرسی عادلانه و حفظ حقوق دفاعی متهم بهتر است قوه قضائیه و قضات ضمانت اجرا بطلان تحقیقات را مدنظر داشته باشند و در راستای تحقق اصل ۳۸ ق.ا. و م ۱۶۹ ق.م.ا. و م ۶۰ ق.ا.د. ک عمل کنند و بر چنین تحقیقاتی که ناشی از شکنجه و اجبار است خط بطلان بکشند و چنین تحقیقاتی که توسط ضابطین یا بازپرس به عمل آمده است بی اعتبار اعلام کنند و مستند به ماده ۱۶۹ ق.م.ا. تحقیق مجدد از متهم انجام شود.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۱۶۸ مقرر می‌دارد بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند و تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌داند و تبصره ۱ ماده ۱۹۰ که سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم را به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه دانسته است. ماده ۱۹۵ اغفال و اکراه و شکنجه متهم را ممنوع و ماده ۱۹۶ تخلف از مقررات ماده ۱۹۵ این قانون را موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار شناخته است و مواد ۲۲۹ و ۲۵۰، ۲۶۶، ۳۷۴ و ۳۷۹ و... ضمانت اجرا نقض دادرسی عادلانه را مقرر نموده است. ضمانت اجرا انتظامی از ضمانت‌های نقض دادرسی عادلانه می‌باشد که در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ در مواد مختلف از جمله ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ عدم رعایت برخی اصول دادرسی و حقوق دفاعی متهم را موجب محکومیت انتظامی مقرر در ماده ۱۳ این قانون می‌داند. قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در مواد مختلف نقض دادرسی عادلانه را موجب محکومیت کیفری مرتکب دانسته است از جمله مواد ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۲ و ۵۸۳ و... این قانون و مسئولیت مدنی و بطلان تحقیقات ضمانت اجراهای دیگری می‌باشند که در قوانین کشورهای مختلف به رسمیت شناخته شده است. لزوم جبران کلیه خسارات ناشی از نقض اصول دادرسی عادلانه با تکیه بر قاعده تقصیر و قاعده لاضرر، امری ضروری می‌باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری در اصل ۳۸ قانون اساسی، شهادت، و سوگندی را که تحت اجبار

کسب شده باشد فاقد ارزش و اعتبار و در حقیقت باطل دانسته و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اینگونه ادله را فاقد حجیت شرعی و قانونی خوانده است، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقنن در چند ماده از بی اعتباری صحبت نموده است در ماده ۳۰ این قانون تحقیقات و اقدامات صورت گرفته توسط افرادی که فاقد کارت ویژه ضابطین می باشند را از نظر قانونی بی اعتبار می داند. همچنین در ماده ۶۰ این قانون در صورتی که در بازجویی اجبار و اکراه متهم باعث پاسخگویی شود، این اظهارات را معتبر نمی داند. ماده ۱۱۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نوشتن بین سطور، قلم خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات، ممنوع می داند. اگر یک یا چند کلمه اضافه گردد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و باز پرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یاد شده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است، ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات این ماده منجر به بی اعتباری تحقیقات می شود. که بطلان قانونی محسوب می شود زیرا مقنن صراحتاً آن را اعلام نموده است. در ماده ۴۳۴ از جهات تجدیدنظرخواهی ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه و تبصره ماده ۴۵۵ عدم رعایت تشریفات دادرسی را موجب نقض رای نمی داند مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رای باشد. همینطور بند ب ماده ۴۶۴ در جهات فرجام خواهی ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه ای از اهمیت منجر به بی اعتباری رای دادگاه می شود. ضمانت اجرا ماده ۳۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ ماده ۶۳ همین قانون می باشد. در صورتی که ضابطان از مقررات این ماده تخلف نمایند به سه ماه تا یکسال از خدمات دولتی منفصل می شوند. همچنین تبصره ماده ۱۹۰ این قانون که در متن مصوب، ضمانت اجرا سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم آن موجب بی اعتباری تحقیقات می شد و در اصلاحیه سال ۱۳۹۴ این قانون به جای ضمانت اجرا بی اعتباری تحقیقات، محکومیت انتظامی به عنوان ضمانت اجرا پیش بینی شد.

پیشنهادها

متأسفانه ضمانت اجرا کیفری منسجمی در رابطه با موارد نقض دادرسی عادلانه به چشم نمی خورد در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مواد ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۸۳ و... برای تحقق بخشیدن به اصول قانون اساسی مجازات هایی را برای مرتکبان نقض حقوق دفاعی متهم (دادرسی عادلانه) به تصویب رسانده، مرتکبان ناقض دادرسی عادلانه اعم است از مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و پلیس که در صورت عدم رعایت حقوق دفاعی متهم به کیفر خواهند رسید. همچنین ماده واحده

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶) الزامات متعددی را برای کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادرها و ضابطان قوه قضائیه در باب حفظ حقوق متهم و محکوم (رعایت پاره‌ای از اصول دادرسی عادلانه) پیش‌بینی و مقرر داشته است که تخطی از آن با ضمانت اجرا مذکور در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ روبرو می‌گردند. لازم به نظر می‌رسد که موادی تصویب شود که به صورت صریح نقض دادرسی عادلانه توسط سیستم قضایی اعم از قضات یا ضابطین را به کیفر برساند.

عدم رعایت برخی از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی‌های کیفری مانند اصل مشروعیت تحصیل دلیل می‌تواند ادله تحصیلی را در معرض بطلان و سلب اعتبار قرار دهد و مسئولیت کیفری یا انضباطی به دنبال داشته باشد. همانگونه که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری (و قانون مجازات اسلامی در کتاب اول، بخش پنجم به ادله پرداخته است) با دقت خاصی، قواعد و مقررات و روش جستجوی ادله جرم را تعیین و تبیین می‌نماید، باید ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول و قواعد قانونی را که سیستم دادرسی موظف به تبعیت از آنهاست نیز مشخص نماید. «دعای بطلان» ادله تحصیلی به علت عدم رعایت این قواعد و مقررات، دعوی است که در آنها قانونگذار و رویه قضایی، به دنبال برقراری تعادل و توازن میان منافع اشخاص ذینفع و منافع اجتماع است. در حقیقت، باید از یک طرف، رعایت قواعد دادرسی را به منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا تضمین نمود و در نتیجه به آنها اجازه درخواست بطلان اعمال و اقداماتی را که در جریان آنها، قواعد و اصول دادرسی رعایت نشده‌اند داد و از طرف دیگر، با طرح «تئوری بطلان» از عدم رعایت این هنجارها و قواعد دادرسی پیشگیری و مجریان عدالت را به رعایت بهتر قواعد و مقرراتی که ممکن است عدول از آن، عملکرد آنها را در معرض بطلان قرار دهد، واداشت. تردیدی وجود ندارد که «قانونگذار نمی‌تواند از نقض قواعد و مقررات پیش‌بینی شده برای تضمین رعایت قانون و چگونگی تهیه و اثبات دلیل جلوگیری نماید ولی می‌تواند آثار آن را با منع دادرسان از پذیرش اعتبار و ارزش ادله تحصیلی از طرق غیرقانونی و نامشروع، از بین ببرد». به همین علت، قانونگذار اینگونه از ادله را غیر مفید یا نامعتبر می‌خواند.

در رابطه با بطلان ادله یا تحقیقات به عنوان ضمانت اجرا نقض دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم، با وجود مطرح شدن این ضمانت اجرا در قوانین، تاکنون نحوه‌ی این بطلان و حد و حدود آن و پروسه بطلان توسط مقنن مشخص نشده است در حالی که در قوانین برخی از کشورها از جمله فرانسه حدود بطلان و نحوه بطلان ادله یا تحقیقات یا دادرسی تعیین شده است. اینکه چرا مقنن از روشن ساختن این مسایل هراس و وحشت دارد مشخص نیست. موضوعی است که نپرداختن به آن باعث تضییع حقوق متهم است و لازم است قضات آگاه و با شرف در موارد نقض دادرسی عادلانه حکم به بی‌اعتباری و بطلان ادله یا تحقیقات دهند رویه‌ای که ایجاد آن گامی رو

به جلو است و خلا قانونی و اجرایی در این زمینه را مرتفع می‌نماید. برخی دیگر از اصول دادرسی عادلانه که باید در کلیه مراحل رسیدگی‌های کیفری در نظر گرفته شوند، یا حمایت کیفری ندارند و یا دارای حمایت کیفری ناکافی و غیرصریح هستند. از جمله این موارد عدم تکلیف ضابط دادگستری به اعلام حق سکوت به متهم است ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در رابطه با حق سکوت تدوین شده است که الزامی به اعلام این حق به متهم دیده نمی‌شود و ضمانت اجرا صریحی برای آن در نظر گرفته نشده است مگر اینکه این حق را از حقوق مذکور در ماده ۵۲ ق.آ.د.ک بدانیم که در صورت تخلف ضابطین از تفهیم آن به متهم، ضمانت اجرا مقرر در ماده ۶۳ این قانون در مورد مرتکبین اعمال شود. شاید بتوان از طریق ماده ۵۹۷ ق تعزیرات و عبارت «رفتار برخلاف صریح قانون» به این اقدام‌ها پاسخ داد. اما تفسیر مضیق قوانین کیفری مانع از این گشاده‌دستی است. بنابراین ضرورت دارد که مقنن برای هر یک از این موارد، به صراحت حمایت کیفری خاصی را تصویب کند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

قرآن کریم

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۷۷). «گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن»، تحقیقات حقوقی، (۲۱) و (۲۲): ۱۰۵-۱۲۰.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی، ج ۲. چ ۲۱. تهران: انتشارات میزان.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶). «عدالت کیفری (مجموعه مقالات)»، چ ۱، تهران: گنج دانش.
- بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، چ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پور قهرمانی، بابک و بابک رسولی (۱۳۹۴). «جایگاه حق متهم بر اطلاع از ادله اثباتی در امور کیفری در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، کارآگاه، (۳۳)۹: ۷۱-۵۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق، چ ۴. تهران: انتشارات گنج دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۵). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چ ۶. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رهامی، محسن (۱۳۸۷). جرائم بدون بزه دیده، چ ۱. تهران: نشر میزان.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۲). حمایت کیفری از حقوق بشر (جرم‌انگاری و ضمانت اجرا)، چ ۱. تهران: نشر میزان.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۴). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قاسمی مقدم، حسن (۱۳۹۴). «تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، (۲)۶: ۱۵۳-۱۲۹.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۱). «آثار تحصیل دلیل از طریق استراق سمع و ضبط مکالمات»، دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و اداری (۴ و ۵).
- موسی زاده، رضا و جواد صالحی (۱۳۸۸). «حمایت کیفری از امنیت متهم در پروا اصول دادرسی عادلانه»، حقوق و مصلحت، (۴)۱: ۸۵-۱۱۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). «تقریرات جرم‌شناسی دوره دکتری (بازپروری بزهکاران)»، دانشگاه تربیت مدرس. به کوشش سلمان عمرانی.
- نوروژی، نادر (۱۳۸۷). «تفهیم اتهام در مقررات کیفری ایران»، فصلنامه دانش انتظامی، (۳۵)۹: ۱۷۹-۱۶۸.